

فرزندآوری با تسهیلات اجتماعی رابطه مستقیم

دارد

25 خرداد 1402

وقتی با هدف تبلیغ فرزندآوری به مادری که یک یا دو فرزند نسبتاً از آب و گل درآمده دارد پیشنهاد می‌دهیم فرزند سوم یا چهارم را بیاور چنان با قاطعیت رد می‌کند و مشکلات را بر می‌شمرد که از گفته مان پشیمان می‌شویم.

به نظر می‌رسد اگر این مشکلات که اکثراً به راحتی قابل حل هستند برطرف شود دیگر نیازی به پیشنهاد دادن هم نیست زیرا تمایل به فرزند بیشتر و خانواده ای گرم و صمیمی نیازی درونی است.

عوامل اجتماعی در جامعه امروز ایرانی چطور مانع فرزندآوری شده اند؟!

-تغییرات ساختار اجتماعی، هزینه‌های اضافی فرزندپروری را بر خانواده‌ها تحمیل کرده است؛ این هزینه ها خود را در قالب فشارهای اقتصادی نشان می‌دهند، درحالی که ریشه و ماهیت اجتماعی دارند. با توجه به کاهش رشد جمعیت کشور، مدتی است مسئله کاهش ازدواج، فرزندآوری و سالمندی و علل آن در سطح رسانه‌ها مطرح می‌شود؛ به‌طور کلی، در باب علت این پدیده دو تفکر وجود دارد؛ عده‌ای ریشه آن را تغییرات فرهنگی می‌دانند و عده‌ای دیگر فشارهای اقتصادی.

تغییرات فرهنگی و کاهش فرزندآوری

تغییرات فرهنگی عمدتاً به کاهش اهمیت مادری و لذت پرورش فرزند، گسترش فردگرایی، اولویت موفقیت حرفه‌ای نسبت به توفیقات خانوادگی، ترجیح لذت‌جویی بر ایثار و کمک، تغییرات الگوی مصرف مانند هر فرزند یک اتاق و شبیه آن اشاره دارد، اما نوع دیگری از علل در سایه علل تغییرات فرهنگی، قرار می‌گیرند و کمتر دیده می‌شوند و می‌توان آن‌ها را «علل اجتماعی» نامید.

مصرف گرایی و افزایش هزینه ها

به‌زبان ساده و مختصر، فرهنگ و تغییرات فرهنگی، به اندیشه، آموزه‌ها، تفکرات، باورها و نگرش‌ها اشاره دارد، اما علل اجتماعی، به پیوندها و روابط اجتماعی و الگوها و ساختارهای حاکم بر آن و به‌طور خاص هنجارها، عرف‌ها و قوانین و مقررات می‌پردازد؛ چند مثال در این باره موضوع را روشن می‌کند. -تا چند دهه قبل، زندگی خانوادگی به‌گونه‌ای بود که وقتی برادر کوچک‌تر صاحب فرزند می‌شد، می‌توانست برخی وسائل بلااستفاده فرزند برادر بزرگ‌تر مانند کالسکه و... را به‌امانت بگیرد درحالی که امروز باید مجدداً آن‌ها را بخرد و از جیب خود بابت آن‌ها پول پرداخت کند.

محرومیت از حمایت خانواده

یک زن هنگام بیرون رفتن به راحتی و با اطمینان خاطر می‌توانست کودک خود را نزد مادر یا خواهر خویش بگذارد، اما امروز باید هزینه مهدکودک را پرداخت کند؛ به عبارتی تغییرات ساختار اجتماعی، هزینه‌های اضافی فرزندپروری را بر خانواده‌ها تحمیل کرده است؛ این هزینه‌های اضافی خود را در قالب فشارهای اقتصادی نشان می‌دهند در حالی که ریشه و ماهیت اجتماعی دارند.

اشتغال مادران در خارج از منزل

اما موضوع به همین جا ختم نمی‌شود! در ساختار اقتصادی - اجتماعی گذشته، زن می‌توانست کنار مرد خانواده، درآمدزایی اقتصادی داشته باشد و کنار آن به وظایف خانوادگی خود نیز رسیدگی کند؛ زیرا واحد اقتصادی (مزرعه، دامداری، قالیبافی یا...) کنار و نزدیک واحد خانواده بود، اما سبکی از شهرنشینی که محل سکونت خانواده را از محل کار با فاصله زیاد جدا کرد، باعث شد حفظ شغل و خانواده با همدیگر برای زنان سخت شود و لذا زنان شهری عموماً مجبور به انتخاب میان این دو شدند و همین عاملی برای کاهش فرزندآوری شد.



اهمیت دسترسی راحت به مراکز درمانی و آموزشی

اصولاً الگوهای روابط اگر به گونه‌ای سخت، نیازها را برآورده نکنند، فرزندآوری هم کاهش پیدا می‌کند؛ الگوی شهری اگر به گونه‌ای باشد که برای پزشک و درمان فرزند به یک طرف شهر و برای مدرسه به طرف دیگر شهر و برای بازار و هر یک از نیازها، باید مسیر طولانی و خسته‌کننده‌ای را طی کرد، در آن صورت پرورش فرزند، همراه با عسر و حرج می‌شود! یعنی طراحی شهر، فشارهایی را به روابط فی‌مابین جامعه تحمیل می‌کند که خانواده‌ها ناچار به کاهش فرزندآوری می‌شوند.

اهمیت تسهیل و تامین نیازها

می‌توان مثال‌های بسیاری از این دست را برشمرد، اما راه‌حل، بازگشت به گذشته نیست بلکه می‌توان در دنیای امروزی زندگی کرد و در عین حال با طراحی‌های متفاوت واحدهای اقتصادی - اجتماعی، چه در سطح خرد و چه در سطح کلان، با تسهیل و روان‌سازی تأمین نیازها، فرزندآوری و فرزندپروری را تسهیل کرد.

آن‌گاه مردم به‌طور طبیعی و با میل و رغبت فرزندان بیشتری به دنیا خواهند آورد.

(مسعود عالمی نیسی؛ سرپرست مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور)